

**بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر
(مورد مطالعه: شهر بابلسر)^۱**

صفیه خدایاری مطلق^۲، محمود شارع پور^۳، نوین تولایی^۴

چکیده

حق به شهر، یک حق بشری، شامل تعلق شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. قرارگرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر بجای حقوق مدنی بدین معناست که هر انسانی صرف‌نظر از جنس، سن، نژاد و ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره‌مندی از این حق است. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر است. بدین منظور از نظریه حق به شهر لوفور به عنوان چارچوب اصلی پژوهش حاضر استفاده شد. روش مطالعه از نوع پیمایشی است که از تکنیک پرسشنامه با حجم نمونه ۳۰۵ نفر، استفاده شد. یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد که مؤلفه مشارکت در شهر با ضریب تأثیر استاندارد شده ۰/۲۱، مؤلفه اختصاص دهی ۰/۱۸ و شاخص‌های مطلوبیت فضای شهر (روانشناسی ۰/۱۹، اجتماعی ۰/۱۶) بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر وابسته میزان تحقق حق به شهر داشتند.

واژگان کلیدی: شاخص‌های مطلوبیت فضای شهر، میزان تحقق حق به شهر، اختصاص دهی، مشارکت در شهر، هانری لوفور.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۵

^۱ مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم صفیه خدایاری مطلق با عنوان "بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر(مورد مطالعه: شهر بابلسر)" به راهنمایی آقای دکتر محمود شارع پور و خانم دکتر نوین تولایی می‌باشد.

^۲ کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) S.khodayari@stu.umz.ac.ir

^۳ عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران Sharepour@yahoo.com

^۴ استادیار گروه شهرسازی دانشگاه مازندران Novin.tavallai@yahoo.com

مقدمه

شهرنشینی بیش از پنج هزار سال قدمت دارد، تا سال ۱۹۰۰ میلادی از هر ۸ نفر، فقط یک نفر در مناطق شهری زندگی می‌کردند، اما در حال حاضر حدود نیمی از جمعیت جهان شهرنشین هستند (پور افکاری، کلانتری، نقدی، ۱۳۸۹). ایران دارای سابقه‌ای دیرین در تاریخ شهرنشینی است. سابقه سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران مربوط به سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ می‌شود. داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن نشان می‌دهد، در نیم قرن اخیر روند شهرنشینی در ایران سیر صعودی داشته است. انتظار می‌رود روند شهرنشینی در ایران همچنان به سیر صعودی خود ادامه داده و در سال ۱۴۳۰ به حدود ۸۵ درصد برسد. بررسی نتایج سرشماری‌ها نشان می‌دهد که نسبت شهرنشینی ایران از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است (فتحی، ۱۳۹۴).

شهر فضایی دارای حد و حصر است که جمعیت زیاد و متراکمی در آن زندگی می‌کنند؛ این جمعیت از لحاظ فرهنگی نامتجانس است. به عبارت دیگر، شهر به محلی اطلاق می‌شود که علاوه بر داشتن تراکم و تمرکز جمعیت نیروی کار آن درگیر فعالیت کشاورزی نیست و اقتصادش مبتنی بر تجارت، تولید صنعتی و ارائه خدمات است. همچنین شهر دارای فرهنگ خاص خود است (شارع پور، ۱۳۸۹: ۱۱).

حق به شهر، یک حق بشری است که شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. فرارگرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی به این معنا است که هر انسانی صرف نظر از جنس، سن، نژاد و ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره‌مندی از این حق است. تعلق یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضاهای مناسب برای خود ممکن می‌شود درحالی که مشارکت در شهر با دخالت داشتن در سیاست‌گذاری‌های شهری، تصمیم‌گیری در مورد مسائل فضایی، کالبدی و اقتصادی شهری و مالکیت و کنترل بخشی از این فضا ممکن می‌شود. (رهبری، شارع پور، ۱۳۹۳: ۱۱۸-۱۱۷).

فضاهای عمومی شهر از گذشته محل ارتباطات و تعاملات اجتماعی- فرهنگی شهروندان بوده‌اند هرچند که اهمیت این فضاها در جوامع مختلف متفاوت بوده و در طول زمان تغییراتی داشته و همواره نیاز به چنین فضاهایی احساس می‌شده است. فضای عمومی شهری، فضای باز قابل حضور

بررسی تأثیر شاخص های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر.....۶۷

برای گروه های مختلف اجتماعی است که پویایی و کارایی آن نیازمند تعاملات اجتماعی و برخورد های متنوع است. مهمترین معیاری که در ارزیابی شهرها و محیط های شهری باید لحاظ شود، کیفیت عرصه های عمومی شهری موجود در آن است. واقعیت اجتناب ناپذیر این است که مردم بر اساس کیفیت آنچه در پیرامون خود می بینند و تجربه می کنند، در مورد آن قضاوت می کنند (تیبالدز، ۱۳۸۳: ۲۵).

امروزه شهرهای بزرگ اغلب توسط فضاهای عمومی وسیع شان شناخته می شوند و کیفیت عملکردهای این فضاها یکی از ابزارهای سنجش قدرتمندی شهرها و توانایی آنها در ایجاد تفریح و سرگرمی، زیبایی های طبیعی و فضاهای باز برای شهروندان می باشد. فضاهای عمومی در مقولاتی نظیر ایجاد و تقویت غرور شهری، افزایش گردشگری و سرمایه گذاری اقتصادی و کمک در افزایش گردشگران و سرمایه گذاری اقتصادی و کمک در ایجاد سلامتی و بهبود کیفیت زندگی نیز به شهرها سود رسانده اند و نقش عمده ای در الگوهای برنامه ریزی شهری و اجتماعی کردن محلات دارند (روجرز، ۲۰۰۳).

میزان مطلوبیت فضاهای شهری بستگی به کیفیت استفاده از آن فضا و میزان جذابیت آن فضا برای جذب فعالیت های متناسب با آن دارد. آنگونه که یان گل فعالیت های انجام شده در فضاهای شهری را به سه دسته اجباری (ضروری)، اختیاری و اجتماعی تقسیم بندی می کند، وی به وقوع پیوستن فعالیت های اختیاری و اجتماعی را مشروط به کیفیت مؤلفه های مکان یا فضای شهری مورد نظر می داند. بنابراین هرچه کیفیت فضای شهری بالاتر باشد می تواند فعالیت های اختیاری و در ادامه آن فعالیت های اجتماعی را در خود پذیرا باشد و حفظ نماید (محمدی، چنگلواپی، ۱۳۹۲: ۱۶).

افراد در شهر حق و حقوقی دارند مانند حقوق مدنی (آزادی فردی، آزادی بیان، آزادی تفکر و دین، حق مالکیت داشتن، انعقاد قرارداد، حق دسترسی به فضاها و ...) حقوق سیاسی (مشارکت در روندهای سیاسی، حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن) حقوق اجتماعی (طیف کاملی از رفاه و امنیت، حق به دست گرفتن پست های بالای مدیریتی، مشارکت در تصمیم گیری های شهری و اجرای این تصمیمات، زندگی کردن مطابق با استانداردهای رایج و غالب در جامعه به شیوهی موجودی متمدن) حق مشارکت (تدوین حقوق در عرصه های خصوصی توسط دولت، خواه در بازار یا سازمان های دولتی است) و غیره. در تحقیقات انجام شده قبلی بیشتر به توصیف وضع حق

به شهر پرداخته اند و از ذکر تاثیر شاخص‌های مطلوبیت شهری بر حق به شهر غافل مانده اند از جمله؛ رهبری و شارع پور (۱۳۹۲) - (۱۳۹۳)، اسمیت و سیاتل (۲۰۰۳)، یونسکو (۲۰۰۵)، پارنل و پیترز (۲۰۰۸). جینیور (۲۰۱۰)، مارکوز (۲۰۱۰)، ترکمن (۲۰۱۱)، روبرت و مارک (۲۰۱۲)، جی (۲۰۱۳)، سینه و کازدان (۲۰۱۳)، رهبری و شارع پور (۲۰۱۳)، طیبی (۲۰۱۳)، جبارین (۲۰۱۴). بنابراین پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضای شهر بر میزان تحقق حق به شهر می‌باشد.

سوال‌های پژوهش

- وضعیت حق به شهر در شهر بابلسر چگونه است؟
- آیا تفاوت‌های جنسیتی در اختصاص‌دهی شهر وجود دارد؟
- هر یک از شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری (اجتماعی، اقتصادی و روانشناسی) چه تأثیری بر میزان تحقق حق به شهر در شهر بابلسر دارند؟

پیشینه پژوهش

هر پدیده‌ای دارای سابقه یا پیشینه‌ای است. هیچ تحقیقی در خلأ صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین به‌طور طبیعی هر پژوهش در تداوم پژوهش‌های پیشین به انجام می‌رسد، با این کار هم از دوباره‌کاری‌ها اجتناب می‌شود و هم از داده‌های تحقیقات پیشین برخوردار می‌گردد. ارتقاء دانش نیز به همین تداوم وابسته است. هر پژوهش باید متکی به دست‌آوردهای پیشین باشد، درحالی‌که خود، هم سخنی تازه دارد و هم روش‌های دقیق‌تر در شناخت پدیده را به کار می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

الف) پژوهش‌های داخلی

نتایج مطالعه‌ی ربانی، حقیقتیان و اسماعیلی (۱۳۸۵) نشان‌داد که بین عوامل اجتماعی - فرهنگی، با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ی معناداری وجود دارد و مهم‌ترین عوامل مؤثر شامل: آموزش‌های اجتماعی، وسایل ارتباط‌جمعی، حضور در عرصه‌های عمومی، طبقه اجتماعی، تحصیلات و شغل بوده است. در مطالعه‌ی مزدهی و زاهدی (۱۳۸۸) نتایج به‌دست‌آمده از داده‌های جمع‌آوری‌شده فرضیات تحقیق مبنی بر موانع مشارکت زنان شامل: میزان اثربخشی مشارکت، آموزش، نگرش مردسالارانه، مقبولیت برقراری ارتباطات، وضعیت اشتغال، وضعیت تحصیلات، نقش زن در خانواده و وضعیت اقتصادی را تأیید کرده‌اند. یافته‌های مطالعه عظیمی، شیرازی زاده و

بررسی تأثیر شاخص های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر.....۶۹

رحیمیان (۱۳۸۹) نشان داد که به طور کلی شهروندان نیازمند فضاهایی هستند که به نیازهای اجتماعی خود پاسخ دهند، ببینند و دیده شوند ولی امروزه توجه چندانی به این فضاهای عمومی نمی شود و در ایجاد فضاهای شهری و سازماندهی آن ها بیشتر ابعاد کالبدی در نظر گرفته می شود. نتایج مطالعه ی نوروزی و گل پرور (۱۳۹۰) نشان داد که میزان برخورداری زنان از حقوق شهروندی پایین است. متغیرهای طبقه ی اجتماعی، جامعه پذیری جنسیتی، تقسیم جنسیتی کار خانگی، سن و وضعیت تأهل بر میزان برخورداری زنان از حقوق شهروندی مؤثر است. در مطالعه ی هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰) متغیر وابسته پژوهش؛ میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوده است که به تفکیک به صورت آگاهی از حقوق مدنی، آگاهی از حقوق سیاسی، آگاهی حقوق فرهنگی، آگاهی از حقوق اجتماعی، آگاهی از حقوق جنسیتی موردسنجش قرار گرفته است. نتایج آن ها نشان داد که ۳۵/۲ درصد از پاسخ گویان آگاهی پایینی از حقوق شهروندی داشتند، ۴۵/۶ درصد آگاهی متوسط و تنها ۱۹/۳ درصد از آگاهی بالایی برخوردار بوده اند. همچنین نتایج مطالعه ی حبیبی، رحیمی کاکه جوب، عبدی و احمدی، (۱۳۹۱) نشان داد که عوامل مؤثر بر ایجاد ناامنی از دیدگاه زنان در خیابان فردوسی شهر سنندج را می توان در دو دسته عوامل اجتماعی و عوامل کالبدی قرار داد. از مهم ترین عوامل اجتماعی می توان به حضور بی هدف افراد، تراکم جمعیت، وجود دست فروش ها و از مهم ترین عوامل کالبدی نیز می توان به کف پوش نامناسب پیاده روها، عدم وجود کاربری های متنوع، عدم وجود کاربری های فعال در شب و روشنایی نامناسب معابر اشاره نمود. در مطالعه امینی، برومند و روح افزار (۱۳۹۲) نتایج حاصل از مطالعه شهر جدید پرند در ایران، حاکی از آن است که میان برقراری تعاملات اجتماعی، میزان دسترسی پذیری به فضا و خصوصیات شخصی شهروندان و افزایش کیفیت فضاهای عمومی شهری در شهرهای جدید رابطه معناداری وجود دارد. در مطالعه ی شارع پور و رهبری (۱۳۹۲) نویسندگان معتقدند که نه تنها در فضای شهری، بلکه در فضاهای خصوصی مانند خانه نیز، به تبع تغییراتی که در سبک های معماری و ساخت خانه ها اتفاق افتاده است، احساس تعلق زنان به مراتب کمتر از مردان است؛ بنابراین یک پیوستگی میان فضاهای عمومی و خصوصی وجود دارد و ایده ی حق به شهر را می توان به فضاهای خانگی نیز تعمیم داد. همچنین نتایج رگسیون لجستیک مطالعه ی رهبری و شارع پور (۱۳۹۳) نشان داد که تفاوت های جنسیتی در بهره مندی از حق به شهر وجود دارد. همچنین مشارکت زنان در شهر و اختصاص یابی فضای شهری به زنان

۷۰.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

کمتراز مردان است و جنسیت در کنار طبقه، نقشی کلیدی در اختصاص‌دهی فضاها به اقشار اجتماع بازی می‌کند. مطالعه‌ی رفعت جاه، شارع پور و رهبری (۱۳۹۳) برخی از عوامل فضایی ادراک نامنی در شهروندان زن را شناسایی کرده‌اند. این پژوهش نشان داده است که تنها ۴۵/۴ درصد زنان تهرانی در فضاهای عمومی شهری احساس امنیت دارند و سایرین فضاها را ناامن یا نسبتاً ناامن شناسایی می‌کنند.

ب) پژوهش‌های خارجی

اسمیت^۲ و سیاتل^۳ (۲۰۰۳)، بیان کرده‌اند که؛ بر اساس نوشته‌های لوفور می‌توان استنباط کرد که حق به شهر لوفور نسبت به آنچه در ادبیات معاصر آن به نظر می‌رسد، بسیار رادیکال، مسئله برانگیز و نامعین است. نویسندگان نتیجه‌گیری کرده‌اند که حق به شهر با اینکه پتانسیل مجزایی برای عمل تهدیدهای جاری در اعطای حقوق آزادی شهری پیشنهاد می‌دهد اما به‌هر حال یک نوشدارو (علاج همه‌ی دردها) نیست؛ و نباید به آن به‌عنوان یک راه‌حل کامل برای مشکلات جاری نگریسته شود؛ اما از یک روزه می‌توان آن را سیاست شهری از نظر ساکنین نامید. در مطالعه‌ی پارنل^۴ و پیترز^۵ (۲۰۰۸)، نویسندگان مسئله‌ی حق به شهر جهانی را به‌عنوان سکوی اخلاقی بررسی کرده‌اند نتایج مطالعه‌ی محققان نشان می‌دهد که کاربردهای یک دستور جلسه‌ی مفید بر پایه‌ی حقوق شهروندی به‌طور ضعیفی درک شده است که به خاطر غلبه‌ی انگ نئولیبرالیسم است. این موضوع مسئله‌ی رأی‌گیری و فراهم نمودن خدمات از مسائل ماهوی مدنیت شهرنشینی را دچار انحراف می‌کند. برون^۶ و کریستینسن^۷ (۲۰۰۹)، معتقدند برخلاف شهروندی دولت - ملت که کاملاً سیاسی و فقط شامل بومی‌ها با تعلقات ملی می‌شود، شهروندی شهری شامل تمام افرادی است که فارغ از بومی بودن و بومی نبودن و اختلاف‌های فرهنگی، قومی، نژادی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، زبانی و تاریخی، ساکن شهر هستند و از حقوق و وظایف برابر در شهر برخوردارند. بر این اساس افتخار به شهر مشتمل بر حس تعلق به شهر و مسئولیت در برابر آن؛ داشتن هویت مشترک شهری از محل زندگی به‌عنوان محور تمام فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها، مشارکت جدی در تمام صحنه‌های زندگی شهری، داشتن حسن خلق و احترام به دیگران برای بهتر زندگی کردن است. مارکوزا^۸ (۲۰۱۰) معتقد است که تفاوت بارزی میان حق زندگی در شهر و حق نسبت به شهر وجود دارد؛ می‌توان گفت اولی (حق زندگی در شهر) به‌صورت جمعی و دومی (حق نسبت به شهر) به‌صورت فردی ارائه می‌شود. همچنین تفاوت‌های سیاسی و استراتژیک

میان ابهامات موجود و ماهیت آن‌ها را نشان می‌دهد. به نظر نویسنده این مطالعه هر یک از این حقوق به یکدیگر وابسته هستند. نتایج مطالعه رهبری و شارع پور^۹ (۳۰۱۳) نشان داد که اولاً، استفاده از مفهوم حق به شهر در جامعه‌ی شهری ایرانی تا حدی ممکن است اما در ارتباط با مفاهیمی مانند «تولید فضا» باید احتیاط به خرج داد؛ زیرا مفهوم شهروندی در گفتمان‌های اجتماعی ایرانی و اروپایی به‌طور یکسان تجربه نمی‌شود. دوماً، این پژوهش تفاوت‌های جنسیتی معناداری در بهره‌مندی از حق به شهر را شناسایی کرده است. به‌طوری که زنان و مردان حقوق شهری را به شکل متفاوتی درک می‌کنند و عموماً این ادراک که شهر تعلق کمتری به آنان دارد، در زنان بیشتر از مردان است. در مطالعه‌ی طیبی^{۱۰} (۲۰۱۳) مسئله‌ی اصلی این است که چگونه فعالان برنامه‌ریزی می‌توانند از ابزار فناوری اطلاعات و رسانه‌های اجتماعی برای دفاع از هر دو بخش شهروندی حق به شهر (حق مشارکت و حق تملک) استفاده کنند. فعالان برنامه‌ریزی می‌توانند از رسانه‌ی اجتماعی برای آگاهی شهروندان حاشیه‌نشین محلی در مورد منافع، حق به شهر و مطالبه‌ی حقوق خود استفاده کنند. همچنین می‌توانند از طریق گفتگو با ساختار برنامه‌ریزی و اقدامات جمعی مستقیم و منسجم به ادعای حقوق خود در خیابان‌ها بپردازند و نتایج مطالعه‌ی جبارین^{۱۱} (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که ساکنان شهرها در اسرائیل، هر دو گروه یهودیان و اعراب فلسطینی تا حد زیادی از حق به شهر محروم هستند هرچند به‌صورت نابرابر. همچنین شهروندان فلسطینی دولت اسرائیل به میزان بیشتری نسبت به هم‌تایان یهودی خود، حق به شهر خود را انکار می‌کنند. این وضعیت ناشی از چارچوب مستقیم قانونی و غیرسیاسی ساختاری است که دولت ایجاد کرده است و هنوز هم تعیین‌کننده‌ی توزیع قدرت بین دولت مرکزی و شهرها و بین گروه‌های قومی اعراب و یهودیان است.

به‌طور کلی در پژوهش‌های مذکور مفهوم حقوق شهروندی و حق به شهر مورد توجه قرار گرفته است. جامعه آماری اغلب این تحقیقات زنان می‌باشند، این مطالعات عمدتاً در محیط‌های شهری و کشورهای غربی انجام گرفته‌اند در صورتی که در داخل کشور مسئله‌ی حق به شهر کمتر دیده شده است. از لحاظ روشی نیز تحقیقات ذکر شده‌ی بالا، به روش‌های کمی و کیفی و توصیفی-تحلیلی انجام شده‌اند و تکنیک مورد استفاده بیشتر آن‌ها پرسش‌نامه و مشاهده است. خلأ تحقیقاتی موجود در پیشینه‌ی تجربی این پژوهش این است که اکثر مطالعات ذکر شده در بالا به توصیف حق به شهر و وضع حق به شهر در جوامع مورد پژوهش پرداخته‌اند. به‌طور مثال محققان توضیح داده‌اند که

میزان حق به شهر در جامعه بالا یا پایین است. در این تحقیقات، عوامل مؤثر بر میزان تحقق حق به شهر و رابطه این متغیر با شاخص‌های کیفیت فضای شهری موردسنجش واقع نشده است. تفاوت پژوهش حاضر با تحقیقات قبلی نیز در همین نکته نهفته است.

چارچوب نظری

منظور از چهارچوب نظری، نگرش یا چشم انداز نظری است که تصمیم گرفته می‌شود برای بررسی مسأله‌ای که در پرسش آغازی طرح شده، پذیرفته شود. آماده سازی طرح نظری مسأله تحقیق از عملیات سه گانه ای تشکیل می‌شود: نخست تدوین چهارچوب عمومی که پرسش آغازی درون آن مطرح می‌شود یعنی ارزیابی و مقوله بندی نتایج مطالعات اکتشافی، سپس انتخاب جهت یابی با رویکرد برای پاسخ دادن به پرسش آغازی و سوم ترسیم طرح نظری مسأله تحقیق انتخابی (کیوی، ۱۳۸۶: ۲۷۲). نظریه های متعدد و گوناگونی برای تعریف و تبیین حق به شهر عرضه شده است. هریک از نظریه ها کوشیده اند با تکیه بر تعلقات هستی شناختی و معرفت شناختی خود، حق به شهر را بررسی کنند. در این مقاله، با استفاده از نظریه های هانری لوفور به بررسی تاثیر شاخص های کیفیت فضای شهری بر حق به شهر پرداخته شود.

حق به شهر؛ هانری لوفور

مفهوم حق به شهر که یکی از جنجالی ترین و شناخته شده ترین مفاهیم مطرح شده توسط لوفور است و در کتابی به همین عنوان در سال ۱۹۶۷ میلادی، درست یکسال پس از خیزش جنبش های اجتماعی - سیاسی در اروپا و آمریکا به چاپ رسید. این کتاب که درست یک قرن بعد از کتاب سرمایه مارکس به چاپ رسید ۱۲؛ به نوعی بزگداشت و در امتداد این اثر محسوب می‌شد. این کتاب که تبدیل به شعاری اجتماعی برای فعالان شهری شده است، بر انگیزاننده ی مباحث علمی و اجتماعی بسیاری در حوزه نابرابری های شهری شده است.

لوفور حق به شهر را " درخواست برای دسترسی تحول یافته به زندگی شهری " می‌داند (گافمن و لباس ۱۳، ۱۹۹۶: ۱۵۸). هاروی ۱۴ مفهوم حق به شهر را این گونه توضیح می‌دهد: " حق به شهر بسیار فراتر از آزادی فردی برای دسترسی به منابع شهری است؛ بلکه حق به تغییر شهر برای ایجاد تغییر در خودمان است. این حق پیش از آن که فردی باشد اشتراکی است چرا که این تغییرات نیازمند یک قدرت جمعی برای باز شکل دهی به فرایندهای شهری است. آزاد ساختن و بازسازی

بررسی تأثیر شاخص های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر.....۷۳

شهر و خودمان به نظر من یکی از ارزشمند ترین حقوق بشری است که بسیار مورد بی اعتنایی قرار گرفته است" (هاروی، ۲۰۰۸: ۲۴).

به نظر می رسد که برای لوفور، نه خانه بلکه شهر است که ایجاد کننده وجود و خودآگاهی شمرده می شود (گافمن و لباس، ۱۹۹۶: ۸). در حق به شهر هانری لوفور این مسئله را مطرح می کند که پراکسیس شهری نیازمند هم زمانی و هم مکانی است که در آن جریان روابط هر روزه ی زندگی و تعاملات اجتماعی ممکن می شود. طراحان شهری نمی توانند پراکسیس را طراحی کنند اما می توانند فضای مناسب آن را ایجاد کنند و راه را برای انجام آن فراهم کنند. به نظر لوفور مردم تبدیل به چرخ دنده هایی در سرمایه داری شده اند و شهر باید برای همه مردم راهی را باز کند که امکانی را برای ساختن محیط هایی برای خودشان داشته باشد. انسان ها به اعتقاد لوفور تنها با کار کردن و به دست آوردن پول کافی برای شرکت کردن در چرخه سرمایه داری راضی نمی- شوند چرا که نیازمند چیزهای دیگری مانند بازی، خلاقیت، تجربه، آموزش، ورزش و ... هستند. شهرهای ما نیاز به کار و تفریح را تا حدی تأمین می کنند اما نیاز به زندگی اجتماعی و انسان شناختی تأمین نشده است. لوفور در میان فضاهای عمومی و خصوصی تاکید خود را بر فضای عمومی و مفهوم اثر ۱۵ قرار می دهد. اثر همان تولید خلاقانه و همین طور زمینه ای برای زندگی روزمره ساکنان شهر است. او توجه خود را بر حق انسان ها به مشارکت در فضاهای شهری و استفاده از آن ها قرار می دهد (لوفور، ۱۹۹۶).

این ایده که افرادی که در شهر حضور دارند نسبت به آن حق دارند، توسط میچل (۲۰۰۳) بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است. او در کتابش به نام «حق به شهر» که با الهام گرفتن و در راستای ایده ی حق به شهر لوفور و البته با گسترش و پروردن آن در جامعه ی شهری ایالات متحده نوشته شده است، اشاره می کند که متولیان شهری تمایل دارند که به حذف گروه هایی مانند فقرای شهری و افراد بی خانمان در شهر دست بزنند. او برای نمونه به کارتن خواب ها اشاره می کند که عموماً از سوی طبقه متوسط و بالا شهری ها به مثابه ی تخریب کنندگان فضای شهری قلمداد می- شوند. میچل (۲۰۰۳) با مثالی از کارتن خواب های پارک های نیویورک (که جمعیت کمی نیستند) به این مسئله اشاره می کند که این گروه ها از فضای شهری منع و محروم می شوند بدون اینکه فضای جایگزینی برای آن ها تعریف و در نظر گرفته شده باشد. بنابراین بر اساس نگاه لوفور حق به

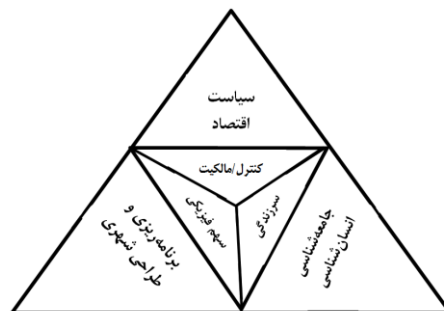
۷۴.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

شهر برای تمام افراد وجود دارد چه شهروند رسمی باشند و چه غریبه. لوفور دو حق را در حق شهری باز می‌شناسد:

➤ حق اختصاص دادن به خود ۱۶: حق استفاده ی کامل از فضای شهری در زندگی روزمره، حق زندگی کردن، بازی کردن، کار کردن، استفاده کردن از فضاها و به خود اختصاص دادن و ...

➤ حق شرکت کردن ۱۷: حق این که ساکنان شهر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فضاهای شهری در هر سطحی از تصمیم‌گیری که باشد دخیل باشند.

اختصاص‌دهی شهر به خود که در نظریه‌ی لوفور نقش مهمی بازی می‌کند عبارت است از امکان بهره‌مندی از خدمات و فضاهای شهری و استفاده کردن از آن‌ها طوری که ارزش مبادله‌ی فضاها با ارزش مصرف، جایگزین شود عواملی که در میزان اختصاص‌دهی شهر به خود تأثیرگذار هستند میزان «کنترل و مالکیت»، «سرزندگی شهری» و «سهم فیزیکی» از فضاهای شهری است. تصویر شماره‌ی (۱) نشان می‌دهد که ابعاد «اختصاص‌دهی شهر به خود» در ارتباط با کدام فراورده‌ای شهری قابل‌بررسی هستند. چنانچه تصویر نشان می‌دهد اختصاص‌دهی شهر به خود و به تبع آن حق به شهر، اساساً مفهومی میان‌رشته‌ای است که البته در این پژوهش با رویکرد جامعه‌شناسانه موردبررسی قرار می‌گیرد.

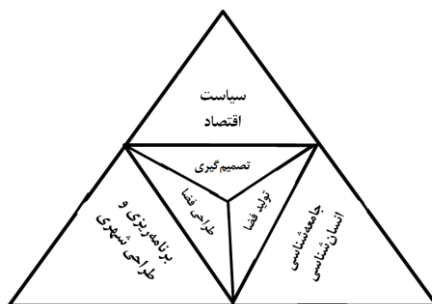


شکل (۱): ابعاد اختصاص‌دهی شهر به خود

انسان‌ها تصمیم نمی‌گیرند که فضایی را اشغال کنند. اشغال فضا بخش ناگزیر وجود هر موجود انسانی است. از این رو هرگونه فعالیت انسانی با پر کردن یک فضا ممکن می‌شود. بنابراین ویژگی‌های فضاهای پر شده می‌تواند محدودیت‌هایی را برای عمل انسان به بار بیاورد.

بررسی تأثیر شاخص های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر.....۷۵

مشارکت، فرآیندی است که افراد دخیل در آن به صورت فعالانه، آگاه، آزادانه و مسئول برای رسیدن به هدفی مشترک تلاش می کنند (زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۹). جنبه های مشارکت در شهر، مشارکت در «تصمیم گیری»، «تولید فضا» و «طراحی اشکال و فضاهای شهری» در نظر گرفته شده است. این سه مؤلفه میزان مشارکت مربوط به هر یک از مؤلفه های اختصاص دهی شهر به خود را شامل می شوند. طوری که مشارکت در کنترل و مالکیت شهری، تصمیم گیری؛ مشارکت در ایجاد سرزندگی در شهر، تولید فضا؛ و مشارکت در تولید فضای فیزیکی، طراحی فضا نامیده شده است. تصویر شماره (۲) ابعاد مشارکت شهری و ارتباط آن ها با فرایندهای شهری را به تصویر کشیده است. در اینجا نیز همان طور که در اختصاص دهی شهر به خود مشاهده شد، با یک مفهوم میان رشته ای و چند سطحی مواجه هستیم.



شکل (۲): ابعاد مشارکت شهری

حق استفاده از شهر (در بعد عمومی) احساس تعلق را به ارمغان می آورد. تعلق یک احساس است که در فعالیتهای روزمره و استفاده از مکان ها ساخته شده و رشد می کند. «فضا یک مکان است که در آن کنش اجتماعی رخ می دهد» (دوسرتو، ۱۹۸۴: ۱۱۷). این فعالیت روزمره علاوه بر اینکه احساس تعلق برای شهروندان به بار می آورد سبب ساخت فضایی نیز می شود. بنابراین حق به شهر و در کنار آن اختصاص دادن فضاهای شهری به خود که در کار لوفور برجسته شده است، در مورد افراد نیز بدون احساس مشارکت و تعلق مطلق در فضاهای شهری ممکن نمی شود. برای نمونه خیابان به عنوان یک مکان جغرافیایی که توسط برنامه ریزان شهری طراحی شده است توسط رهگذران هدفمندی که کنش اجتماعی خود را در آن به انجام می رسانند، تبدیل به یک فضا می شود. تمام فعالیت های بدنی روزمره بخشی از فرایند محدود کردن و به خود اختصاص دادن هستند. مؤسسه پی. پی. اس ۱۸ که در سال ۱۹۷۵ ایجاد شد، یکی از نهادهای تحقیقاتی

۷۶.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

بین‌المللی است که محوریت پژوهش‌های خود را بر فضاهای عمومی شهری متمرکز کرده است. هدف این مؤسسه ایجاد حرکت جهانی به منظور ساخت مکان‌هایی مردمی است. این نهاد با بررسی بیش از هزار فضای عمومی در سراسر جهان، دریافت که موفق‌ترین و کاراترین فضای عمومی دارای چهار کیفیت کلیدی است: این فضاها در دسترس هستند، افراد در آن‌ها درگیر فعالیت می‌شوند، راحت بوده و دارای مناظر زیبایی هستند و در نهایت مکانی معاشرت پذیر هستند.^{۱۹}

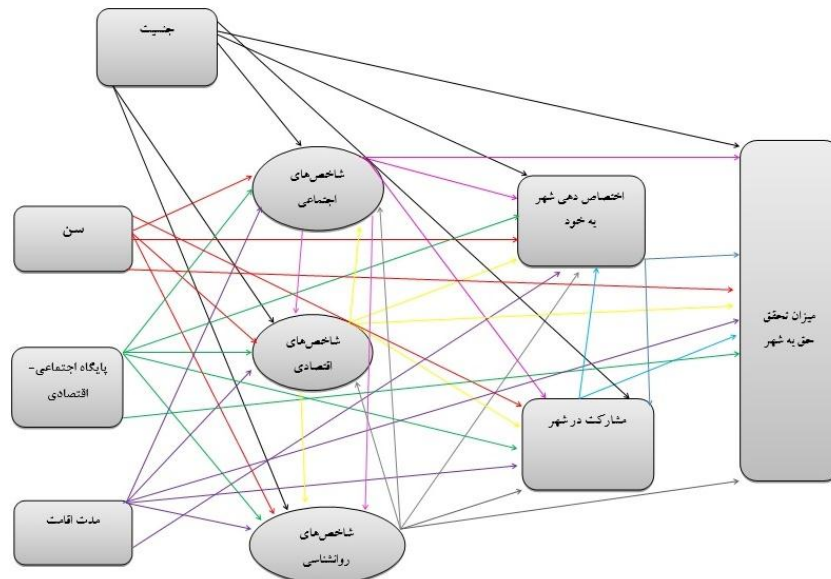
کاربری و فعالیت‌ها Uses & Activitic	اجتماع پذیری Cociability	آسایش و تصوّردهنی Comfort & Lmage	دسترسی و ارتباطات Access & Linkages
⇓	⇓	⇓	⇓
سرزندگی Fun / Actlve/ Vltal واقعیت خاص و منحصربه‌فرد Real / Special بومی و محلی Indigenous مفید و کاربری Useful برگزاری مراسم Celebratory پایداری Sustainable	تعاون Stewardship تعاملات اجتماعی Neighborly محیط پذیرا Welceming افتخار Pride محیط دوستانه Friendly	سبز Creen ایمن Safe جذابیت Attractive شیفتگی فضا Charming قابلیت نشستن Sittable	خوانایی Readable پیوستگی ارتباطات Continulty راحت و مناسب Convenient قابلیت پیاده‌روی Walkable آسایش روحی Spiritual

شکل (۳): ابعاد مؤثر در ارتقای کیفی مکان و فضای عمومی، مأخذ: www.pps.org

در مطالعات گوناگونی که در فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان و سنجش نظرات شهروندان، چهار عامل اساسی در کیفیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردار شده است این عوامل عبارت‌اند از؛ دسترسی و به‌هم‌پیوستگی، آسایش منظر، کاربری و فعالیت و اجتماع‌پذیری. در بین این عوامل شاخص اجتماع‌پذیری از مهم‌ترین عوامل مطلوبیت سنجی فضاهای شهری به حساب می‌آید و به این نکته تصریح دارد که یک محیط مطلوب به‌طور یقین مورد استفاده و کاربری اجتماعی قرار می‌گیرد.

مدل مفهومی تحقیق

مدل مفهومی تحقیق با استفاده از چهارچوب نظری به شکل زیر ترسیم شده است که در آن سه شاخص کیفیت فضای شهری یعنی؛ شاخص اجتماعی، اقتصادی و روانشناسی بر دو مؤلفه‌ی حق به شهر یعنی؛ اختصاص‌دهی شهر به خود و مشارکت در شهر تأثیر می‌گذارند که این دو مؤلفه نیز بر میزان تحقق حق به شهر تأثیر گذار هستند؛ بنابراین مدل تحقیق تابع تصویر شماره (۴) خواهد بود.



شکل (۴): مدل نظری تحقیق

فرضیه اصلی پژوهش

- به نظر می رسد متغیرهای شاخص کیفیت فضای شهر (اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی) به همراه دو متغیر اختصاص دهی و مشارکت در شهر بر متغیر وابسته می میزان تحقق حق به شهر تأثیر می گذارند.

روش شناسی

هدف از تحقیق در هر زمینه ای، رسیدن به یک سری شناخت ها و تبیین روابط بین متغیرها است. برای رسیدن به این هدف از روش های مختلفی استفاده می شود. این پژوهش از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه بهره برده است. روش نمونه گیری از نوع هدفمند بوده و به صورت نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای است. در مجموع ۳۰۵ پرسشنامه در میان پاسخ گویان زن و مرد توزیع شده است. تعداد پاسخگویان به شکل تصادفی ساده و متناسب با حجم جمعیت در هر یک از محلات شانزده گانه شهر بابلسر انتخاب شده است. محدوده سنی آزمودنی ها ۱۵ سال به بالاتر است و میانگین سنی ۳۴ سال بوده است. در ارتباط با ابزار تحقیق از روش اعتبار محتوا و از نوع اعتبار صوری استفاده شده است و برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان

۷۸.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

آلفای به دست آمده بالاتر از ۰/۷ بود که نشان می‌دهد ابزار اندازه‌گیری از پایایی بالایی برخوردار بوده است و می‌توان به نتایج آن اعتماد کرد.

جدول (۱): مقادیر آلفای کرونباخ برای تمام متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
اختصاص دهی شهر به خود	۱۶	۰/۶۹
مشارکت در شهر	۱۱	۰/۶۴
حق به شهر	۳	۰/۵۴
شاخص‌های کیفیت فضای شهر (pps) (اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی)	۳۱	۰/۸۸

الف) یافته‌های توصیفی

جدول (۲): توزیع فراوانی مطلق و نسبی نمونه‌های مورد پژوهش بر حسب جنسیت

جنس	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
مرد	۱۷۸	۰/۵۸	۰/۵۸	۰/۵۸
زن	۱۲۷	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۱۰۰
جمع کل	۳۰۵	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰	

از مجموع ۳۰۵ نمونه مورد مطالعه در این تحقیق ۵۸ درصد (۱۷۸ نفر) را مردان و ۴۱ درصد (۱۲۷ نفر) را زنان تشکیل می‌دهند. چنانچه ملاحظه می‌شود نسبت مردان اندکی از زنان بیشتر است.

جدول (۳): توزیع فراوانی مطلق و نسبی نمونه‌های مورد پژوهش بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
مجرد	۱۰۰	۳۲/۸	۳۲/۸	۳۲/۸
متأهل	۱۹۸	۶۴/۹	۶۴/۹	۹۷/۷
سایر	۶	۲/۰	۲/۰	۹۹/۷
بی‌پاسخ	۱	۰/۳	۰/۳	۱۰۰/۰
جمع کل	۳۰۵	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

از مجموع ۳۰۵ پاسخ‌گو؛ ۳۲/۸ درصد (۱۰۰ نفر) از پاسخ‌گویان مجرد، ۶۴/۹ درصد (۱۹۸ نفر) متأهل و ۲ درصد نیز در وضعیت سایر (مطلقه، بیوه و...) می‌باشند. لذا می‌توان گفت که حدود ۶۵ درصد پاسخ‌گویان این تحقیق را افراد متأهل تشکیل داده‌اند. متغیر خواستگاری پایگاه اجتماعی -

بررسی تأثیر شاخص های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر.....۷۹

اقتصادی (که از ترکیب سه متغیر وضعیت اشتغال، درآمد سالیانه ی خانواده و سطح تحصیلات به دست آمده است).

جدول (۴): توزیع فراوانی مطلق و درصدی پایگاه اجتماعی- اقتصادی پاسخ گویان بر حسب جنسیت

پایگاه اجتماعی- اقتصادی	مرد		زن		جمع کل
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
پایین	۱۸	۱۰/۱	۵۷	۴۴/۹	۷۵
متوسط	۱۴۱	۷۹/۲	۵۶	۴۴/۱	۱۹۷
بالا	۱۹	۱۰/۷	۱۴	۱۱/۰	۳۳
کل	۱۷۸	۱۰۰	۱۲۷	۱۰۰	۳۰۵

همان طور جدول فوق نشان می دهد؛ ۶۴/۶ درصد پاسخ گویان (۱۹۷ نفر) در شهر بابلسر دارای پایگاه اجتماعی- اقتصادی متوسط می باشند که از این میان ۷۹/۲ درصد (۱۴۱ نفر) مردان و ۴۴/۱ درصد (۵۶ نفر) زنان، پایگاه اجتماعی اقتصادی خود را متوسط ارزیابی کرده اند. هم چنین ۲۴/۶ درصد (۷۵ نفر) در شهر بابلسر دارای پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین می باشند و ۱۰/۸ درصد (۳۳ نفر) هم در شهر بابلسر در پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالا می باشند.

ب) یافته های استنباطی

در پاسخ به فرضیه اصلی، مبنی بر اینکه به نظر می رسد متغیرهای شاخص کیفیت فضای شهر (اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی) به همراه دو متغیر اختصاص دهی و مشارکت در شهر بر متغیر وابسته ی میزان تحقق حق به شهر تأثیر می گذارند، این فرضیه مورد تأیید واقع شده است.

جدول (۵): خلاصه نتایج مدل رگرسیونی چندگانه حق به شهر

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد
۱	۰/۵۷	۰/۳۲۵	۰/۳۰۴	۱/۹۸۲

چنان که جدول شماره ۵ نشان می دهد، بنا بر نتایج رگرسیون به دست آمده از آزمون این فرضیه، متغیرهای مستقل به طور هم زمان ۵۷ درصد همبستگی با میزان تحقق حق به شهر دارند. همچنین مقدار ضریب تعیین بیانگر آن است که حدود ۳۲ درصد از تغییرات میزان تحقق حق به شهر توسط متغیرهای مستقل تبیین می شود و ۶۸ درصد باقی مانده متعلق به عوامل دیگری است که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته اند.

جدول (۶): معناداری مدل رگرسیونی حق به شهر

معناداری	آماره اف	مدل رگرسیونی
۰/۰۰۰	۱۵/۶۵۹	

جدول فوق حاکی از معناداری آماره‌ی اف در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ است که نشان می‌دهد مدل رگرسیونی با ۹۹ درصد اطمینان معنادار می‌باشد. به عبارتی مدل رگرسیونی حق به شهر، مدل مناسبی است.

جدول (۷): ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیرهای مستقل بر حق به شهر

معناداری	آماره t	ضرایب استاندارد شده		ضریب ثابت
		Beta	انحراف استاندارد	
۰/۱۱۷	-۱/۵۷۲		۱/۰۹۸	-۱/۷۲۷
۰/۱۶۰	۱/۴۱۰	۰/۰۷۳	۰/۲۵۱	۰/۳۵۳
۰/۹۳۲	۰/۰۸۵	۰/۰۰۴	۰/۰۱۱	۰/۰۰۱
۰/۶۴۳	۰/۴۶۳	۰/۰۲۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱
۰/۹۱۲	۰/۱۱۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱
۰/۰۱۵	۲/۴۳۵	۰/۱۶۶	۰/۰۲۶	۰/۰۶۲
۰/۳۹۰	-۰/۸۶۱	-۰/۰۵۶	۰/۰۲۷	-۰/۰۲۴
۰/۰۰۶	۲/۷۶۸	۰/۱۹۱	۰/۰۲۶	۰/۰۷۳
۰/۰۰۳	۲/۹۸۸	۰/۱۸۵	۰/۰۱۷	۰/۰۵۱
۰/۰۰۰	۳/۵۸۰	۰/۲۱۲	۰/۰۲۴	۰/۰۸۶

طبق جدول فوق متغیرهای اختصاص‌دهی، مشارکت در شهر و متغیرهای شاخص کیفیت فضای شهر (شاخص اجتماعی و روانشناسی) معنادار می‌باشند ($\text{Sig} = 0/05$). برای تشخیص سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی حق به شهر، ضرایب تأثیر استاندارد شده متغیرهای مستقل با یکدیگر مقایسه شده‌اند. نتیجه مقایسه نشان می‌دهد متغیر مشارکت در شهر ($\text{Beta} = 0/21$) مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار است و بیشترین سهم را در پیش‌بینی حق به شهر را دارا می‌باشند؛ به عبارتی به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیر مشارکت در شهر به اندازه ۰/۲۱ در انحراف معیار حق به شهر تغییر ایجاد می‌شود. سپس متغیر شاخص روان‌شناسی کیفیت فضای شهر ($\text{Beta} = 0/19$)، اختصاص‌دهی ($\text{Beta} = 0/18$) و شاخص اجتماعی کیفیت فضای شهر ($\text{Beta} = 0/16$) بیشترین سهم را در پیش‌بینی حق به شهر دارا می‌باشند؛ متغیرهای خواستگاری جنسیت، سن، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مدت اقامت در پیش‌بینی متغیر وابسته حق به شهر تأثیر معنی‌داری ندارند. بدین ترتیب می‌توان پیش‌بینی کرد که بیشترین میزان حق به شهر در میان

بررسی تأثیر شاخص های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر..... ۸۱

شهروندانی است که مشارکت در شهر بیشتری دارند، ارزیابی مطلوب تری از شاخص های روانشناسی دارند، به میزان بیشتری شهر را به خود اختصاص می دهند و همچنین از لحاظ شاخص اجتماعی کیفیت فضای شهر نیز امتیاز بالاتری دارند.

جدول (۸): توزیع فراوانی و درصدی گویه های مختلف متغیر حق به شهر به تفکیک جنسیت

جنسیت	مرد		زن		جمع کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کم	۶۴	۳۶/۰	۳۱	۲۴/۴	۹۵	۳۱/۱
متوسط	۹۶	۵۳/۹	۸۰	۶۳/۰	۱۷۶	۵۷/۷
زیاد	۱۸	۱۰/۱	۱۶	۱۲/۶	۳۴	۱۱/۱
کل	۱۷۸	۱۰۰	۱۲۷	۱۰۰	۳۰۵	۱۰۰

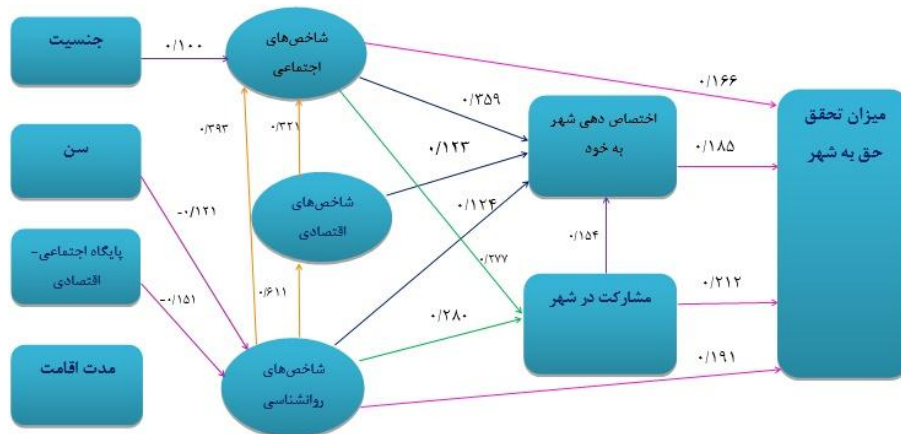
در پاسخ به سوال اول مبنی بر اینکه وضعیت استفاده از حق به شهر در شهر بابلسر چگونه است؟ می توان گفت که نتایج حاصل از توصیف متغیر وابسته در جدول فوق، بیانگر آن است که ۵۷/۷ درصد (۱۷۶ نفر) میزان حق به شهر خود را متوسط ارزیابی کرده اند که از این میان ۶۳ درصد زنان و ۵۳/۹ درصد مردان می باشند. به طور خلاصه می توان گفت که وضعیت حق به شهر در بین شهروندان بابلسر در حد متوسط است و زنان نسبت به مردان میزان حق به شهر خود را بیشتر می دانند. لذا نتایج در این زمینه برخلاف تحقیق رهبری (۱۳۹۳)، نوروزی و گل پرور (۱۳۹۰) است. تحقیق حاضر نشان می دهد که زنان توانسته اند میان حقوق شهری خود و مشارکت و اختصاص دهی شهر ارتباط معناداری قائل شوند. این نشان دهنده آگاهی زنان نسبت به مسائل خودشان است. ضمن اینکه در دهه ی اخیر در ایران با افزایش مشارکت زنان در عرصه های عمومی، حضور فعال زنان در شهرهای ایران به خصوص در شهر بابلسر روند رو به رشدی را نشان داده است. زنان نه تنها در عرصه ی خصوصی و فضای خانه، بلکه در عرصه ی عمومی به شکل فعالانه ای در مطالبات جمعی اجتماعی (مانند مطالبات محیط زیستی در انجمن ها و سازمان های مردم نهاد) مشارکت دارند (ن. ک. به جمعیت زنان و جوانان حافظ محیط زیست گیلان).

جدول (۹): آزمون تفاوت میانگین اختصاص دهی شهر به خود بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین
مرد	۱۷۸	۵۸/۳۴۲	۸/۴۰۷	۰/۶۳۰
زن	۱۲۷	۵۹/۳۳۸	۸/۷۰۹	۰/۷۷۲

اختصاص دهی	آزمون F		سطح معنی داری		آزمون T		درجه آزادی	سطح معناداری مشاهده شده	اختلاف میانگین‌ها		تفاوت خطای استاندارد		فاصله‌ی اطمینان ۹۵٪	
	وارانس‌ها	برابری	سطح معنی داری	معنی داری	برابری	معنی داری			حداکثر	حداقل	حداکثر	حداقل	حداکثر	حداقل
فرض برابری واریانس‌ها	۰/۳۸۴	۰/۵۳۶	-۱/۰۰۵	۳۰۳	۰/۳۱۶	-۰/۹۹۵	۰/۹۹۱	-۲/۹۴۶	۰/۹۵۴					
فرض نابرابری واریانس‌ها	۰/۹۹۹	۲۶۵/۶۴۸	-۰/۹۹۹	۲۶۵/۶۴۸	۰/۳۱۹	-۰/۹۹۵	۰/۹۹۷	-۲/۹۵۹	۰/۹۶۷					

در پاسخ به سوال دوم مبنی بر اینکه آیا تفاوت‌های جنسیتی در اختصاص دهی شهر وجود دارد؟ با توجه به آزمون t، در جدول فوق می‌توان گفت که میانگین اختصاص دهی شهر به خود برای مردان ۵۸/۳ و برای زنان ۵۹/۳ می‌باشد و میانگین میزان اختصاص دهی شهر به خود زنان و مردان تفاوت معنی داری ندارد. بنابراین فرضیه صفر تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر از لحاظ میانگین اختصاص دهی شهر به خود، تفاوت معنی داری بین زنان و مردان وجود ندارد. در نهایت مدل نظری که در ابتدا نمایش داده شد با آزمون تحلیل مسیر به صورت شکل زیر تعدیل و ترسیم می‌شود که در این مدل تجربی روابط واقعی نمایش داده شده است.



شکل (۵): مدل تجربی عوامل مؤثر بر نحوه استفاده از حق به شهر

تفاوت این مدل تجربی با مدل نظری که در بخش چارچوب نظری آمده است در این است که در اینجا روابط مستقیم و غیر مستقیم میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته‌ی تحقیق با استفاده از

بررسی تأثیر شاخص های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر..... ۸۳

نمودارهای تحلیل مسیر مشخص شده است، علاوه بر این در این مدل تجربی روابط بین متغیرهای مستقل نیز به خوبی نمایان است. همانطور که مشاهده می شود مؤلفه ی مشارکت در شهر با ۲۱٪ درصد تأثیر مستقیم بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته ی میزان تحقق حق به شهر دارد و بعد از آن به ترتیب متغیر شاخص روانشناسی کیفیت فضا با ۱۹٪، متغیر اختصاص دهی با ۱۸٪ و متغیر شاخص اجتماعی کیفیت فضا با ۱۶٪ درصد بر متغیر وابسته تأثیر گذار هستند. در روابط بین متغیرهای مستقل نیز متغیر مشارکت در شهر بر متغیر اختصاص دهی تأثیر دارد، علاوه بر آن سه شاخص اجتماعی- اقتصادی و روانشناسی نیز بر متغیر مستقل اختصاص دهی تأثیر گذار هستند. شاخص اجتماعی و شاخص روانشناسی بر متغیر مستقل مشارکت در شهر تأثیر گذار هستند اما شاخص اقتصادی تأثیری ندارد. شاخص اقتصادی بر شاخص اجتماعی تأثیر گذار است و شاخص روانشناسی هم بر شاخص اقتصادی و هم بر شاخص اجتماعی تاثیر می گذارد. از میان متغیرهای خاستگاهی جنسیت بر شاخص اجتماعی، سن و پایگاه اجتماعی- اقتصادی نیز بر شاخص روانشناسی تأثیر می گذارند. و متغیر خواستگاهی مدت اقامت هیچگونه تأثیر معناداری بر کل مدل و سایر متغیرهای مستقل و وابسته ندارد.

جدول (۸): میزان تأثیر مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته میزان تحقق حق

به شهر			متغیرها
انواع تأثیر			
تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	تأثیر کل (مستقیم + غیر مستقیم)	
۰/۱۸۵	-	۰/۱۸۵	اختصاص دهی شهر به خود
۰/۲۱۲	۰/۰۲۸	۰/۲۴	مشارکت در شهر
۰/۱۶۶	۰/۱۳۲	۰/۲۹۸	شاخص اجتماعی کیفیت فضا
-	۰/۰۹۶	۰/۰۹۶	شاخص اقتصادی کیفیت فضا
۰/۱۹۱	۰/۲۷۵	۰/۴۶۶	شاخص روانشناسی کیفیت فضا
-	۰/۰۲۷	۰/۰۲۷	جنسیت
-	-۰/۰۴۹	-۰/۰۴۹	سن
-	-۰/۰۳۷	-۰/۰۳۷	پایگاه اجتماعی- اقتصادی
-	-	-	مدت اقامت

در پاسخ به سوال سوم مبنی بر اینکه هر یک از شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری (اجتماعی، اقتصادی و روانشناسی) چه تأثیری بر میزان تحقق حق به شهر در شهر بابل‌سردارند؟ می‌توان گفت با توجه به نتایج تحلیل مسیر و همان‌طور که جدول شماره ۸ نشان می‌دهد؛ مهم‌ترین متغیرها در تبیین میزان تحقق حق به شهر، ابتدا شاخص روانشناسی (۰/۴۶) و سپس شاخص اجتماعی (۰/۲۹) است. شاخص اقتصادی کیفیت فضای شهر (۰/۰۹) تأثیر چندانی بر نحوه استفاده از حق به شهر ندارد.

همچنین بر خلاف فرضیه‌ی اولیه‌ی ما مؤلفه‌های میزان تحقق حق به شهر (اختصاص‌دهی و مشارکت در شهر) تأثیر کمتری نسبت به متغیرهای شاخص کیفیت فضای شهر (اجتماعی، اقتصادی و روانشناسی) داشتند و متغیر شاخص روانشناسی و اجتماعی کیفیت فضای شهر نقش پررنگ‌تری در تبیین متغیر وابسته میزان تحقق حق به شهر داشتند. همچنین مشخص شد که متغیر سن و پایگاه اجتماعی - اقتصادی تأثیر منفی بر میزان تحقق حق به شهر دارند؛ جنسیت نیز تأثیر چندانی بر میزان تحقق حق به شهر ندارند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر طبق مبانی نظری پژوهش مشخص شد که حق به شهر به عنوان حقی برای تمامی ساکنان تصور می‌شود و دربرگیرنده حق تملک فضا و حق مشارکت فضای شهری است. البته لازم به یادآوری است که هر یک از این حقوق در بسترهای متفاوت ملی، سیاسی و فرهنگی تفسیرهای متفاوت به خود می‌گیرند اما فلسفه‌ی اساسی این مفهوم همچنان توانا ساختن تمامی ساکنان شهر در برخورداری از تمامی فرصت‌های زندگی شهری است. این مفهوم حقوق خاصی را تضمین نمی‌کند بلکه ساکنان شهر (زنان، مردان، شهروندان رسمی یا غیررسمی) را در دسترسی و برخورداری آزادانه از مزایای زندگی شهری توانا می‌سازد. همچنین این مفهوم مسئولیت‌هایی را نیز برای ساکنان شهر در حمایت از دولت برای تسهیل ارائه این حقوق تعریف می‌نماید.

حق به شهر رویکردی مبتنی بر جامعه، با هدف به رسمیت شناختن شهر به مثابه‌ی مکانی برای بازتولید روابط اجتماعی قدرت و حق مشارکت است (دیک و گیلبرت، ۲۰۰۲: ۷۰)؛ زیرا شهرنشینی مجموعه‌ای از روابط اجتماعی است که منعکس‌کننده روابط موجود در جامعه به‌عنوان یک کل است (هاروی، ۲۰۰۸: ۲۵). از نظر لوفور شهرهای امروزی منعکس‌کننده‌ی روابط سرمایه‌داری و نظام قدرت‌اند (افروغ، ۱۳۷۶: ۱۶۰) و فضاهای شهری به خاطر ارزش‌های

بررسی تأثیر شاخص های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر.....۸۵

مبادله‌ای‌یشان اهمیت می‌یابند. بنابراین آنچه را که لوفور در شهر به‌مثابه‌ی اثر هنری معرفی می‌کند پایمال می‌شود (لوفور، ۲۰۰۹: ۱۵۷). حق به شهر از دیدگاهی به تغییرات شهری منجر می‌شود که ماهیت شهروند و شهروند بودن را به‌عنوان چالشی مهم پیش روی شهرها قرار داده و شهر را مهم‌ترین لایه‌ی تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری (مکانی که در آن ارزش اجتماعی فضاهای شهری با ارزش مبادله‌ای آن برابری می‌کند) معرفی می‌کند (پورسل، ۲۰۰۲: ۱۰۲). از این‌رو مفهوم حق به شهر مطرح‌شده توسط لوفور مفاهیمی چون عمومی بودن، تنوع و رقابت بر سرفضا را دربر می‌گیرد. لازم به یادآوری است که در گفتار لوفور، شهروند واژه‌ای است که به تمام ساکنان شهر اطلاق می‌شود و دو حق را برای آن‌ها در نظر می‌گیرد: حق تملک فضا و حق مشارکت شهری. حق مشارکت برای ساکنان شهری این فرصت را فراهم می‌آورد تا در تصمیماتی که منجر به تولید فضای شهری می‌شوند، دخیل باشند. حق تملک یا تخصیص فضا نیز شامل حق دسترسی، تصرف و استفاده از فضا و تولید فضای جدید منطبق با نیازهای مردم است (کوفمن و لباس، ۱۹۹۶: ۲۳).

بنابراین نقش فضاهای عمومی در تعریف حق به شهر امری حیاتی است (براون، ۲۰۰۶: ۱۸). در حقیقت فضاهای عمومی در شهرها بستر و زمینه‌ای برای نمایش میزان تحقق مفهوم حق به شهر محسوب می‌شوند. حتی می‌توان این‌گونه بیان کرد که مطابق نظر لوفور هرچه میزان مشارکت و تملک و تخصیص فضا توسط شهروندان در فضاهای عمومی بالاتر باشد به تحقق مفهوم حق به شهر نزدیک‌تر شده‌ایم؛ و اگر این حق و یا ادعای حق به شهر شهروندان در شهرهای امروزی توسط بدنه‌ی تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر شهری نادیده گرفته شود، به مرور زمان گروه‌هایی از زندگی روزمره‌ی شهری و فضاهای آن کنار گذاشته می‌شوند و به‌صورت گوناگون شروع به تصرف فضا می‌کنند (فریدمن، ۱۹۹۲: ۷۵).

بسیاری از تحقیقات اخیر نشان داد که برای اغلب مردم مطلوبیت محیط یک محل به مراتب مهم‌تر از دیگر امور است. شاید به این دلیل که انسان‌ها هر روز از خیابان‌ها، محله‌ها و محیط پیرامون خود استفاده می‌کنند و کیفیت این فضاهای عمومی به شدت بر زندگی روزمره‌ی آن‌ها اثر می‌گذارد (کارمونا و همکاران، ۲۰۰۸). منظور از فضاهای عمومی آن دسته از فضاهایی است که عموم مردم آزادانه به آن دسترسی دارند و هدف از آن‌ها فراهم ساختن تعاملات اجتماعی و احساس آسودگی برای شهروندان است. همانند فضاهایی نظیر خیابان‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها،

مراکز خرید، ایستگاه‌های اتوبوس، مترو و ساختمان‌های عمومی نظیر مراکز مذهبی و کتابخانه‌های عمومی و همانند آن. البته این بدان معنا نیست که الزاماً این دسترسی بدون محدودیت است. این فضاها بر تصویر شهر در ذهن مردم و بر شهرت و محبوبیت شهر تأثیر فراوانی دارد. به اعتقاد بسیاری از محققان، کیفیت فضاهای عمومی تأثیر زیادی بر این پرسش مهم دارد که؛ آیا شهر به‌عنوان محل زندگی و محل فعالیت اقتصادی، موفق است یا نه؟ (شارع پور، ۱۳۹۳: ۶۶).

حضور مداوم در هر محیط شهری، رفتارهای محیطی شهروندان را شکل می‌دهد. ذهن انسان تصویر ذهنی شهر را بر مبنای تأثیرات حسی، تجربه‌ها و خاطره‌های شخصی، قضاوت، زیبایی‌شناسی، تجربه‌های گروهی و خاطره‌های جمعی، حوادث تاریخی و چارچوب فرهنگی ارزش‌ها، آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها ایجاد می‌کند. از این‌روست که رفتار شهروندان هم به فضاهای شهری شکل می‌دهد و هم در محیط‌های شهری شکل می‌گیرد. افزایش کیفیت فضاهای شهری و طراحی مناسب فضای شهری شاید بتواند زمینه حضور ساکنان را در سطح شهر فراهم سازد و شهروندان در این فضاها حضور یابند. در نتیجه سرزندگی و نشاط ناشی از حضور شهروندان در رشد اجتماعی و فرهنگی جامعه و احساس هویت شهروندی و مکانی مؤثر خواهد بود. بنابراین مطلوبیت فضای شهری عاملی مهم در حیات اجتماعی شهرها پنداشته می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

¹ Yan gol

² Smith

³ Seattle

⁴ Parnell

⁵ Pieterse

⁶ Brown

⁷ Kristiansen

⁸ Marcuse

⁹ Rahbari & Sharepour

¹⁰ Tayebi

¹¹ Jabareen

^{۱۲}- کتاب سرمایه‌نویسه ی مارکس و انگلس برای

اولین بار در سال ۱۳۶۴ به چاپ رسیده است.

¹³ Kofman and Lebas

¹⁴ Harvey

¹⁵ Oeuvre

¹⁶ Right to Appropriation

¹⁷ Right to Participation

¹⁸ PPS

¹⁹ [http //: www.pps.org](http://www.pps.org)

منابع

۱. امینی، الهام، برومند، مریم، روح افزار، فاطمه. (۱۳۹۲). ارزیابی عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت فضاهای عمومی در شهرهای جدید نمونه موردی: شهر جدید پرند. فصلنامه آمایش محیط. شماره ۲۶، صص

بررسی تأثیر شاخص های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر.....۸۷

۲. پور افکاری، نصرالله، کلانتری، صمد، نقدی، اسدالله. (۱۳۸۹). تحولات شهرنشینی و پیامدهای اجتماعی آن (با تکیه بر مورد ایران)، اولین همایش شهروندی و مدیریت محله ای حقوق و تکالیف. زمان مراجعه به سایت ۱۳۹۴/۶/۲۴.
۳. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳)، شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، نشر خاک.
۴. حبیبی، کیومرث، رحیمی کاکه جوب، آرمان، عبدی، محمد حامد، احمدی، طالب. (۱۳۹۲) و (۱۳۹۱). ایمن سازی فضای عمومی شهری برای افزایش حضور پذیری زنان (نمونه موردی: خیابان فردوسی شهر سنندج). دوماهنامه شهرنگار. سال دوازدهم، شماره ۶۳ و ۶۲، صص ۹۳-۸۴.
۵. ربانی، رسول، حقیقتیان، منصور، اسماعیلی، محمد. (۱۳۸۵). بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی (شهر اصفهان در سال ۱۳۸۴). فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال اول، شماره اول، صص ۱۰۶-۸۵.
۶. رفعت جاه، مریم، شارع پور، محمود، رهبری، لادن (۱۳۹۳). امنیت و جنسیت در فضاهای شهری، مطالعه کیفی حق زنان به شهر، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۷، صص ۱۴۷-۱۲۹.
۷. رهبری، لادن، شارع پور، محمود (۱۳۹۳). تفاوت های جنسیتی در بهره مندی از حق به شهر در تهران، تهران: انتشارات تپسا.
۸. رهبری، لادن (۱۳۹۳). جنسیت و شهروندی در تهران: مطالعه جامعه شناختی تفاوت های جنسیتی در حق به شهر. پایان نامه دکتری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران.
۹. رهبری، لادن، شارع پور، محمود. (۱۳۹۳). جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور. مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۱، صص ۱۴۱-۱۱۶.
۱۰. ساروخانی، باقر (۱۳۸۹). روش های تحقیق در علوم اجتماعی. جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. شارع پور، محمود. (۱۳۸۹). جامعه شناسی شهری. انتشارات سمت.
۱۲. شارع پور، محمود، رهبری، لادن (۱۳۹۲). جنسیت و تعلق فضایی: تأثیر معماری مدرن بر حذف فضاهای خصوصی، کنفرانس زن، معماری و شهر، موسسه بین المللی مطالعات راهبردی معماری ایران.
۱۳. عظیمی هاشمی، مژگان، رضوی زاده، ندا. (۱۳۸۹). حق شهروندی و فضای شهری. محل انتشار: دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۴. عظیمی، نورالدین، شیرازی زاده، آیناز، رحیمیان، مسعود (۱۳۸۹). جایگاه فضاهای عمومی در شهرسازی معاصر با تأکید بر شهرهای ایران. دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری.

۸۸.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

۱۵. فتحی، الهام (۱۳۹۴). روند شهرنشینی در ایران: جمعیت شهری در نیم‌قرن اخیر ۹ برابر شده است. افزایش شدید تراکم جمعیت تهران تا سال ۱۴۳۰، منتشرشده در اخبار اقتصاد ایران، کد خبر ۶۰۹۲۰، زمان مراجعه به سایت ۱۳۹۴/۶/۲۰.

۱۶. کیوی، ریمون و لوک وان. کاپنهود (۱۳۸۶). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات توتیا.

۱۷. محمدی، محمود، چنگلویی، یونس. (۱۳۹۲). ارزیابی مؤلفه‌های کیفیت فضای شهری بر میزان مطلوبیت مسیرهای پیاده‌گردشگری (مورد پژوهی اولویت‌بندی مسیرهای گردشگری پیاده در شهر اصفهان). نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۵، صص ۳۲-۱۵.

۱۸. مژدهی، سارا، زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۸). بررسی موانع توسعه‌ای مشارکت زنان در مدیریت شهری. زنان و توسعه، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی. شماره ۴۲، ۱۸۳-۲۲۸.

۱۹. نوروزی، فیض‌الله، گل‌پرور، منا. (۱۳۹۰). بررسی میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن. راهبرد، شماره ۵۹، سال ۲۰، صص ۱۹۰-۱۶۷.

۲۰. هزارجریبی، جعفر، امانیان، ابوالفضل. (۱۳۹۰). آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن. مطالعه و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۹، صص ۱۸-۱.

21. Amato, P. R., & Beattie, B. (2011). Does the Unemployment Rate Affect the Divorce Rate An Analysis of State Data 1960–2005, *Social Science Research*, Vol. 40, No. 3, pp. 705
22. Brown, A. & Kristiansen, A. (2009), *Urban Policies and the Right to the City; Rights, responsibilities and citizenship*. UN-HABITAT and UNESCO.
23. Brown, A. (2006), *Contested Space: Street trading, public space and livelihoods in developing cities*. Rugby: ITDG Publishing.
24. Carmona, M. & Magalhaes, C. & Hammond, L. (2008), *Public Space: The Management Dimension*, Routledge, London.
25. De Certeau, Michel (1984), *The Practice of Everyday life*”, Berkeley, University of California press.
26. Dikeç, M. & Gilbert, L. (2002), Right to the city: homage or a new societal ethics? *Capitalism Nature Socialism*, 59-74.
27. Friedmann, J. (1992), *The right to the city. Society and Nature: The*
28. Harvey, D. (2008), *Debates and developments: the right to the city*, *International Journal of Urban and Regional*, 27(4), 939-941.
29. *international Journal of Political Ecology*, 1(1), 71-84.

30. Jabareen, Yosef (2014). 'The right to the city' revisited: Assessing urban rights The case of Arab Cities in Israel. *Habitat International* 41, 135 e141.
31. Kofman, E. Lebas, E. (1996), *Writing on Cities*, Oxford: BlackWell Publisher.
32. Lefebvre, H. (2009), *State, space, world: Selected essays*. (N. Brenner, S. Elden, Eds. G. Moore, & N. Brenner, Trans). Minneapolis: University of Minnesota Press.
33. Lefebvre, Henri (1996). *The Urban Revolution*, translated by Robert Bononno, New York: University of Minnesota press.
34. Marcuse, peter (2010), "Rights in Cities and Right to the City? In Ana Sugranyes and Charlotte Mathivet (eds), *Cities for all: proposals and experiences towards the Right to the City*, Santiago, Chile: Habitat International Coalition: 89-100.
35. Mitchell, D. (2003), *The Right to the City: Social justice and the fight for public space*. New York: The Guilford Press.
36. Parnell, Susan, Pieterse, Edgar (2010), "The right to the city': institutional imperatives of a developmental state", *University of Cape Town, International Journal of Urban and Regional Research*, 34(1).
37. Rahbari, Ladan & Sharepour, Mahmoud (2013), *Gender and Right to the City in Tehran*, Article presented at the world Conference of Integration of Knowledge by worldconferences. Net, Langkawi, Malaysia, E-ISBN:978-967, 11768-2-5.
38. Smith & Seattle (2003), *Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant*", Kluwer Academic Publishers. Printed in the Netherlands, 99-108.
39. Tayebi, Ali (2013). *Planning activism: Using Social Media to claim marginalized citizens' right to the city*. *Cities* 32, 88-93.

¹ Yan gol

² Smith

³ Seattle

⁴ Parnell

⁵ Pieterse

⁶ Brown

⁷ Kristiansen

⁸ Marcuse

⁹ Rahbari & Sharepour

¹⁰ Tayebi

¹¹ Jabareen

^{۱۲} کتاب سرمایه نوشته ی مارکس و انگلس برای اولین بار در سال ۱۳۶۴ به چاپ رسیده است.

¹³ Kofman and Lebas

¹⁴ Harvey

¹⁵ Oeuvre

¹⁶ Right to Appropriation

¹⁷ Right to Participation

¹⁸ PPS

¹⁹ [http //: www.pps.org](http://www.pps.org)